



میرحسین موسوی: قانون اساسی ما پر از ظرفیت‌هایی است که هنوز به فعلیت نرسیده‌اند؛ مسئولان گاهی با این حقیقت به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی به عنوان امری مستحب مخیرند همچنان استفاده‌های بیشتری از ذخائر قانون اساسی ببرند.

این رشته سر دراز دارد

پایان انتخابات مجلس نهم، فرصت خوبی برای ارزیابی عملکرد مجلس هشتم است. هرچند جناح اصولگرایی حاکم علاقه ای به باز شدن این بحث ندارد و مایل است افکار عمومی را به سمت دعوای زرگری بر سر ریاست مجلس آینده و رقابت های درون جناحی کم اهمیت سوق دهد.

نتایج اعلام شده برای انتخابات که خبر از راه نیافتن نماینده این مجلس به دوره بعد می دهد، نشان می دهد دست کم ارزیابی رای دهندگان از کارنامه مجلس هشتم و نمایندگانش به شدت منفی است. آنچه در اولین جلسات مجلس پس از دور دوم انتخابات اتفاق افتاد، نشان می دهد کارنامه مجلس هشتم حتی از دید خود همین نمایندگان هم منفی است. مجلسی که چهار سال در برابر یک تازی های دولت سکوت کرد و هر جا هم اندک اعتراضی از آن بلند شد، بلافاصله با کوچکرین تشر یا پیغامی از بیرون، خاموش شد؛ در سه ساعت، سه مورد تخلف بزرگ دولت از قانون را به قوه قضاییه ارجاع داد.

اگر نمایندگان در آخرین روزهای مجلس هشتم از قانون شکنی پاپی دولت احمدی نژاد در زمینه خصوصی سازی، دست درازی به حساب بانک ها و هدفمند کردن یارانه ها به دادگاه شکایت بردند، تا دیروز هم باید درباره انواع و اقسام تخلفات دولت، از جمله در مازجرای سهام عدالت، بنگاه های زودبازده، اختلاس بزرگ، گرانی ناگهانی ارز، واردات بی رویه، ورشکستگی تولید و صنعت، حیف و میل درآمدهای نجومی نفتی و دهها مورد خرد و کلان دیگر از انحرافات بزرگ دولت ایستادگی می کردند. چرا نکردند؟

آری، چرا نمایندگان مجلس هشتم چنین نکردند؟ به یک مورد ملموس تر و جدید بپردازیم: چرا بودجه سالانه کشور هنوز مشخص نیست؟ آیا در سخت ترین سالهای دهه شصت هم که مخارج جنگ کمرشکن شده بود و در واقع بودجه ای برای خرج کردن در خزانه دولت باقی نمانده بود، سالی گذشت که کشور اینچنین بی نظم و بی سامان اداره شود؟

پاسخ این سوالها را باید در نحوه روی کار آمدن مجلس هفتم و هشتم جست و جو کرد و همچنین روی کار آمدن دولت نهم و برقرار ماندن دولت دهم. بودجه به همان دلیلی تصویب نشده و قوانین به همان دلیلی اجرا نشده اند که مجلس امروز عاجز از مانع از قانون شکنی ها نشان می دهد و دست به دامن قوه قضاییه می شود. دقیقاً به همان دلیلی که امروز هنوز احمدی نژاد بر سر کار است و به همان دلیلی که مجلس نمی تواند شان قانونی خود را حفظ و از ابزارهای نظارتی و سیاسی اش استفاده کند.

این رشته سر دراز دارد و سر رشته همان جایی است که میرحسین موسوی و دیگر دلسوزان نظام از سه سال قبل هشدارش را می دادند. خروج حاکمیت از مدار قانون و تن ندادن به اجرای بدون تنازل قانون اساسی، به شکل گیری مجالسی از نوع هفتم و هشتم، به روی کار آمدن و ماندن دولت قانون شکن نهم و دهم، به بی برنامه شدن دولت و ناتوان شدن مجلس، و به بروز شرایطی منجر شد که جز بازگشت سریع و بی قید و شرط به قانون اساسی و خواست مردم هم چاره ای وجود ندارد.

اما اگر چنین نشود، حضور یک اکثریت دو سومی ناشناس و بی تجربه در مجلس نهم، بیش از همه برای رهبری و سران حاکمیت فعلی خطرناک و هشداردهنده است. آنها که هم ریشه احزاب را زدند تا نیروهای سیاسی منتقد خود را بی هویت سازند و هم پای دلسوزان قدیمی را از نظام حذف کردند تا تنها افرادی مطیع و سرسپرده روی کار بمانند، اکنون باید بیشترین خطر را از ناحیه افراد بی ریشه و بی سابقه احساس کنند. اما آیا در حاکمیت، عقلانیتی برای توجه به این ظرایف سیاسی باقی مانده است؟

نامه رهبری و چرخش ناگهانی مواضع مجلس مسئولیت این گرانی ها و بیکاری ها با کیست؟

خواهد یافت و به کمتر از ۶۰ هزار تومان خواهد رسید و این یارانه ها هم به حدود یک میلیون خانواری که وادار به انصراف از دریافت یارانه های نقدی شده، پرداخت نخواهد شد.

چنین تحولی در قیمتها، به معنای دور جدید گرانی های طاقت فرسا است که بیشترین آسیب آن متوجه اقشار ضعیف و کم درآمد است. به این تبعات تلخ، باید ورشکستگی بخش تولید و صنعت و همچنین ناگوارش از جمله در بخش کارگری را هم افزود. دولت دهم در سال آخر فعالیت خود قرار دارد و باکی از تحمیل تورم به مردم ندارد. مجلس هشتم هم دو هفته بعد به پایان می رسد و نگرانی نسبت به پیامدهای تصمیمش ندارد.

بالتر از اینها، درباره نامه رهبری هم که به چرخش مواضع مجلس و باز شدن قفل فاز دوم هدفمندی منجر شده و به طبع مسبب اصلی گرانی های در پیش رو خواهد بود، اشاره نمی شود چرا با یک نامه، ناگهان همه نگرانیهای اصولگرایان در مجلس و رسانه ها به فراموشی سپرده می شود و سیاه نمایی های قبلی ناگهان به سفیدنمایی و تلهیر برنامه دولت برای فاز هدفمندی تبدیل می شود.



قوا مطرح شد و لحن نمایندگان اکثریت مجلس درباره فاز دوم هدفمندی نیز به طور محسوسی تغییر کرد. چند روز قبل نیز، علی لاریجانی اعلام کرد: رهبری به نامه اش درباره فاز دوم هدفمندی پاسخ داده است.

اینچنین بود که لاریجانی در دیدار با اعضای کمیسیون تلفیق بر اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها تاکید کرد و خواست همان چیزی که دولت خواسته تصویب کنند یعنی تصویب رقم ۶۶ هزار میلیارد تومان برای بودجه هدفمندی که این به معنای افزایش ۷۰ درصدی بهای بنزین، گاز طبیعی، برق و گازوئیل از سوی دولت خواهد بود.

از سوی دیگر، آنطور که اعلام شده، نرخ یارانه ماهانه نیز حداکثر ۱۴ هزار تومان افزایش

برنامه دولت برای افزایش شدید قیمت ها در فاز دوم هدفمندی یارانه ها هستیم؟

درست سه هفته قبل، چند ساعت پیش از آنکه احمدی نژاد برای یک مصاحبه زنده و اعلام آغاز فاز دوم هدفمندی یارانه ها به تلویزیون بیاید، مجلس با این موضوع مخالف کرد و چیزی نگذشت که اعلام شد مصاحبه تلویزیونی احمدی نژاد لغو شده است. از آن زمان تا پایان هفته گذشته که دور دوم انتخابات مجلس نهم برگزار می شد، فرصتی برای اصولگرایان منتقد دولت فراهم شد تا با انتقاد فزاینده از گرانی ها و تبعات هدفمندی یارانه ها، در آتش رقابت های انتخاباتی خود بدمند. اما از کمتر از یک هفته قبل، ورق برگشت. مزمزه هایی مبنی بر تغییر نظر شورای حل اختلاف

طی روزهای اخیر چرخش های عجیبی در مواضع مجلس در خصوص فاز دوم هدفمند شدن یارانه ها پدید آمده که ناظران را متعجب ساخته است.

تصویب افزایش بیش از ۲۰ درصدی بودجه هدفمندی نسبت به سال گذشته، تصریح باهتر نایب رئیس مجلس به آغاز فاز دوم طرح هدفمندی از خردادماه و بدتر از همه تاکید علی لاریجانی بر اینکه مجلس با فاز دوم هدفمندی یارانه ها مخالفتی ندارد، نشانه هایی از چرخش در موضع گیری کسانی است که تا چند روز قبل، اجرای فاز دوم را معادل ویرانی اقتصاد کشور و فاجعه در جامعه توصیف می کردند.

رئیس مجلس که گفته است "اینگونه نیست که مجلس مخالف فاز دوم باشد"، همان علی لاریجانی است که یک ماه قبل در نامه ای به رهبری، با هشدار نسبت به تبعات اقتصادی اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها، از آیت الله خامنه ای خواست جلوی احمدی نژاد را بگیرد تا فاز دوم هدفمندی یارانه ها را اجرا نکند. چه اتفاقی افتاده که همه سران مجلس مدعی اصولگرایی ناگهان از اساس تغییر کرده و شاهد چرخشی ۱۸۰ درجه ای در مواضع آنها نسبت به

مادر مهسا امرآبادی به مسئولان: از حبس و زندانی کردن جوانان دست بردارید

برای مهسا و مسعود گفته اند را نمی پذیرد می گوید: اینها بچه های این مملکت هستند و دلشان برای این کشور سوخته است. اینها خارجی نیستند و مسئولان باید نگاهشان را تغییر دهند. امرآبادی در پرونده بازداشت سال ۸۸ یک سال حبس تعزیری داشت که سال قبل در پرونده ای جدید به ۵ سال زندان که ۴ سال آن به تعلیق در آمد، محکوم شد و حالا دو سال محکومیت دارد.

مهسا در اوین است، حداقل لطفی که می توانند بکنند این است که مسعود را هم از زندان رجایی شهر به اوین منتقل کنند. خانم نقی می گوید: برایمان خیلی سخت است که هر هفته بخواهیم برای دیدار عزیزانمان به رجایی شهر و اوین برویم. حداقل اگر هر دو در یک زندان باشند، راحت تر می توانیم آنان را ملاقات کنیم. مادر مهسا امرآبادی با بیان این نکته که هیچیک از جرم هایی که

مهسا امرآبادی، همسر مسعود باستانی روزنامه نگار زندانی، روز گذشته برای اجرای حکم یک سال حبس تعزیری به زندان اوین رفت. خانم مریم نقی، مادر مهسا امرآبادی با اعلام این خبر به کلمه، از مسئولان خواست که نگاهشان را تغییر دهند و از حبس و زندانی کردن این جوانان دست بردارند. وی از مسئولان قضایی کشور خواست در حال حاضر که

حفظ نظام با دهان های بسته و قلم های شکسته

عدالت رهاشده می شود. پیش از این بسیاری از اعضای حلقه های حاکمیت از جمله معاون رئیس دولت با پرونده سنگین فساد مالی حلقه خیابان فاطمی، دادستان سابق تهران با پرونده جنایت بار کهریزک، وزیر اقتصاد با پرونده رسوای اختلاس سه هزار میلیارد تومانی، به صلاحدید دفتر رهبری از اجرای عدالت معاف شده اند. در طرف دیگر، محمدی نیز تنها کسی نیست که به جرم پاسداری از آرمان های این ملت بپاخاسته محاکمه می شود. در فهرست بلندبالای محکومان می که به این جرم در زندان ها به سر می برند، نام زنان و مردان بسیاری درج شده است. آنچه باعث تأسف است، دامنه کوته اندیشی مسئولان نظام است که نمی دانند با این گونه اقدامات، تیشه به ریشه مشروعیت خود می زنند. هنگامی که ترازو ها نامیزان، قلم ها شکسته، دهان ها بسته و تارهای وابستگی به قدرت های شرقی بر سراسر اندام این نظام تنیده شده باشد، منطق حفظ نظام در هم شکسته خواهد شد.

در این هفته دو خبر هم زمان منتشر شد: خبر مصاحبه دادستان تهران که در توجیه علت عدم برخورد قضایی با انتصاب محمد شریف ملک زاده به عنوان مشاور احمدی نژاد که در آن ذکر شد پیش از رسیدگی در دادگاه شامل رأفت اسلامی و عفو رهبری شده، و خبر صدور حکم بدوی محکومیت میثم محمدی، مسئول سایت بنیاد نشر اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی به چهار سال حبس تعزیری. آنچه در این دو خبر چشمگیر است این است که اتهام ملک زاده فساد مالی مرتبط با اموال بیت المال مسلمانان است و جرم محمدی قلم زدن در دفاع از مردم سالاری دینی، آزادی و عدالت. معلوم می شود که چشم بند فرشته عدالت به کنار رفته و ترازوی عدالتش کج شده که چنین احکامی، لابد بنام دین محمدی و عدالت علوی، صادر می شود. البته ملک زاده نخستین کسی نیست که در معادلات قدرت و بده و بستان های سیاسی از چنگال

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.